

تتمت کتب صحیفه کرمی غم مبارک که ضایع نگرفت روزگار که در زردن در کار
 بیفتد بقیه مشی بجزین باز هنر با بد و فضل و کمال که کتب این و در هر جاه حال
 بجا نماند که با اعتباری سردرگسایه یوق حضرت مولی زانقالبه اولیادان و فروری
 نداد بار بنده اولی غمگین و در بحر الم که عالمه اولی و غم سردی غم غم سردی غم
 در لو سک راهی ترک این راهی خرد با یوق اولی که زتم با سلی بیسرا و لجه تهاه خا
 دنیا ای و طلال شاه عقبا عقیل بر تبا ایامان و برای حکم با حسان و اذله قلی
 معنی بکه منتقل اولی در لاجر سیم و در دن دست و دایه تهن اما علوی هیانه
 قنا عله بر اولی کل غلبه منتقل اولی که در تامله که بر تهن تهن بود فرقا در سیم
 دامن غم نیا لام بقرمی آفتاب و ز فرط نشکی مان آیم نزدیک شریف انجم که خود در
 خراج آب حدیث مخلوق ال بطنی کند و رها و دولت ناقص دل بطنی سزا کورب اتی
 بر شب سکه و قلعه لیلی احفی لولیل یوب کورب غم تهن سندی غم تهن احتیابا
برای انداک جای نیست همش روی ای کورب در بونی هر یک که شب بمر کهای است هر خدا
 بختی ن عزمی بی نیست هر یک بر و دم که خدی ای است اول زمانه بعد از اسلام
 کرسی ملک سلطه و تخت کا خالفا ای دین و استق علی اهل صیون رسول الله صلی الله علیه
 ای بی شاهان دخی بیت شاه عله که بر جا بیست قلم بر باره عظم بعد از بر اول
 دیوب منت بعد از طریق سدا صورتی و فوجی شهرت بر سر گردان و کوی قبا که کو کورب
 و خیزان و دان اولی بعبا منت حال و نمانت بران ایلم بی صفت و ای و کورب و بار
 بوضو ظاهر گلزار بر و بر با یانه هر یک ما فقیه و اصل اولی کورب بر غلام عربی
 منور و دخی خدی خال قدری تا فوجی حبیب کالی چون هلاک و غیر ضاهری نبات باطنه کل اولی

حال اولی صنفه خدی بی لبه انون اولی و غم شاهین اولی عنوان طاهره انام
 و اسرار نلاهی هی با ایرو کورب جلیان فارسی طالب الحجی کعبه ایوب با بر اولی
 علیک با شان دان درین شهر قر استاد و شمس اجتمع با بعد با غا با و اعلمنا و شاه
 نتیجی اولی و علیک السلام یا عدلته بن نام نامشیده کنین ندرت ملک و نشانه نادرین کنین
 خانم ندرت اولی که درین شهر خدی لسان بلوچیا ایوان از کلم ایوب و دیگر همنور قول
 مطبوع سکا صبح اولی که پیغمبر است که الله علیه و سلم بریزد اما سرخ جنی بخنده تا انصاف
 منرا آشف و اما تا کوربها اختلف یعنی جانوری که بختهم خرد آنکه عالم اراحد بری بری
 بلدیو عالم استباحه دخی صدق و ائتلاف و زره اولدی و شکر که عالم اراحد بری بری
 بلدیو عالم استباحه دخی بغض و اختلاف و زره اولدی شاهان اولی که اولی و اولی
 خلد و صمیم عجمه براد ندرت و بر دیگر براد کورب سن نام بیکرین این شکر که کلم عجم
 ددی که بدو و در وضع اشدی نام بیکرین خدا و نضر برش وضع اشدی نام خرد
 در دن قاه الله تبارک و تعالی ان کل من فی السموات و الارض الا انی الرحمن عبدک هر که عامه
 و زمین موجود در عباد الله معبود ناکا و بولور بر و در کوی بر شا ظاهر اولی
 شیخ روزگار ایله بچند بر سر کرد و اولی کورب و زورمانه بر آج و میان و تیغ بر آن
 تاج شاه خدی و نطایر کشی باندی کورب اولی اولی و زان خورن کورب این کورب
 اربخه خلد و صفیده هدایت کنی بری بویک غلام لست کورب سلام و بری اقبال تا علم علیک
 هر دن فراتر که کورب بیروب محبت بر این و بر با تدری منین اقبلیتا غلام عجم ای
 من اطلات کورب بیضی ظلمت بطون وظلمت هم و ظلمت شکر هر دن تدری راه صلح شکر عجم
 عربی ای تدری ذاک بشار و بطانفی اذله و لای بدک ظاهر الدیال بیضی راه عقداش تا آید

Copyrighted by University